

سنندج شهری خون آلود و سربلند !

رشداد - مصطفی سلطانی

۲۲ مهرماه ۱۴۰۱

شهروندان سنندجی در حقیقت برای نابودی کامل سیستم فاشیستی، جنگ طلب ، برقراری جامعه‌ای مدرن و دمکراتیک ، سپردن تمام قدرت و هیژمونی سیاسی به شهروندان و صلح می جنگند و، گذار خشونت پرهیز را باتکیه بر نافرمانی های مدنی انتخاب کرده‌اند. آنها عدالت اجتماعی را با سیمای انسانی طلب می کنند. از تحمیل ستم ملی ، ستم طبقاتی و بی عدالتیهای فراوان سیستم جمهوری اسلامی بیزار و متنفر گشته‌اند. نبرد شهروندان سنندجی در این لحظات سرنوشت ساز پژواک جهانی دارد. سنندج خوشه چین خرمن دمکراسی، آزادی و عدالتخواهی است .

.....



کوه " ناویهر " که سالیان طولانیست عظمت و غرور شهروندان سنندجی را در سینه دارد .

احساس میکنم ،
در هرکنار و گوشه‌ی ،
این شوره‌زار یاس ،
چندین هزار جنگل شاداب ،
ناگهان ، میروید از زمین! (شاملو)

ژینا امینی خرمی از گیسوان ژولیده‌ی سیاه فام روی سرش نمایان بود. زیبایی ، لطافت و پرنایبی زیادی به موهای صاف و چشمان سیاه و آرام و مخمورش داده بود. چهره و سیمای او بازتاب رنجهای نهفته‌ی تاریخی و و ستم دردناک ملی بود. نافرمانی مدنی در شهر سنندج و بعبارتی فورم و محتوا ، در رزمشان در نهایت پختگی و کمال است . پاسیون ، اشتیاق و علاقه‌ی شدید جوانان دختر و پسر سنندجی در بستر نبردهای خیابانی جلوه‌های جاویدانی یافته‌اند ، شاخ استبداد راشکسته‌اند. روند مبارزه، سیادت ، رهبری و هیژمونی سیاسی را به شهروندان تقدیم نموده‌است . مبارزات و نافرمانی های مدنی در ایران شبیه سونامی بوده و بازتاب وانعکاس جهانی یافته و روند بالندهای آن، دیوارهای دیکتاتوری مذهبی را بلرزه درآورده‌است . زنان و دختران در سنندج علیه دیکتاتوری و دولت استبدادی مذهبی، دین سالاران اسلامی و خانواده‌های کلاسیک پدر سالار می‌جنگند. جهان در پروسه‌ی تغییر گام نهاده‌است . حجاب و مقنعه مضمون ، شکل و ابزار تحقق ایدئولوژی بیناد گرایی در حکومت های اسلامی بوده ، که ترور بی وقفه‌ی زنان را نمایندگی کرده و، این پدیده ابزاری برای ارباب عمومی جامعه است . اکنون ماشین ودستگاه مغزشوئی فاشیزم اسلامی کارائی چندانی ندارد و قادر نیست جامعه را به جمود روانی بکشاند. در حقیقت مبارزات مدنی در شهرهای ایران قانون شکن ، سنت سکن و هنجار شکن بوده و جنایات آشکار و مخفی جمهوری اسلامی را در سطح جهانی افشا نموده‌اند. پیروان ولایت فقیه هوای کرانه‌های ذهنشان مه‌آلود بوده و ، قدرت سیاسی ، نظامی و مذهبی و تفتیش عقاید را در ملقمه‌ای بنام دیکتاتوری مطلق جمع کرده‌اند. صدای پای فاشیزم اسلامی از نوروز ۵۸ تاکنون در سنندج و شهرهای دیگر کردستان بگوش میرسد. دوربین های جاسوسی پیشرفته و مدرن در امکان عمومی تعبیه گردیده و پادگان ها، پایگاه ها ، زندان ها، مقرهای مخفی ، نیروهای لباس شخصی و طیف وسیع جاسوسان حرفه‌ای و مزدوران محلی، ابزار

های سرکوب را نمایندگی می نمایند. جمهوری اسلامی رژیم فئالیک و ذاتا جنایتکار و بدون کشتار و اعدام و شکنجه قادر به ادامه‌ی حیات نبوده و نیست.



کوه " کوچک‌پرهش " که در طول تاریخ رازها و غرور ساکنین شهر سنندج را در سینه‌دارد .

تحمیل مفاهیم دینی و مذهبی که همگی روبنا بوده نقص آشکار دمکراسی است. ارتجاع مذهبی در رویای ناممکن خویش می‌خواهد غربال را با آب پر کند. رهبران دوگم و متحجر اسلامی نمیتوانند تفکرات و اندیشه‌های پوسیده ی خویش را تغییر دهند و باید مانند فرشهای منازل آویزشان کرد و آنقدر باچوبشان بزنند تا گرد و خاک از مغز مه‌آلودشان بریزد. ماری که نتواند پوست اندازی کند محکوم بمرگ است. نبرد شهروندان ایران برعلیه دیکتاتوری و ارتجاع مذهبی پوندی بالنده و پرشتاب دارد و، تاریخ ناظر اشکها و لبخندهای توده‌ی مردم است. دراین دوران یک گام دیگر، گاه کوتاه و گاه بلند بسوی دمکراسی برداشته میشود. یکی از نکات برجسته‌ی مبارزات و قیام مدنی در ایران و کردستان پرورده کردن رهبران است که بلاشک تعلقات حزبی ندارند، مییاشد و از رهبری احزاب فاصله گرفته‌اند. قاصد مبارزین و بینوایان سنندجی، تکنولوژی مدرن است که پیغام و اسرارها و تجارب غنی آنها را به‌گوش افکار عمومی جهان میرساندو، تبعیض‌های ناروائی که نسبت به خلق کرد در ماسمیدیای اسلامی روا جلوه داده شده‌اند افشا گردیده‌است. مبارزات، سبک کار و خط‌مشی بینوایان و شهروندان سنندج محصول دوره‌های نبرد

طولانی بوده و در دایره تنگ زمان محبوس نشده و به فرهنگ ها و مبارزات
خلقهای ایران سرایت نموده است .

شایسته است که پرتراهی دسته‌جمعی از مبارزین سنندجی درست شود و در یکی از
میادین شهر نصب گردد. بسیاری از قیام‌های مردم نه از طریق جنگ و حمله‌ی
نظامی بلکه از سوی فشار اقتصادی و ادار به تسلیم می‌گردند. در مناطقی که داعش
اسلامی شکست خورده ، تشکیل و سازماندهی نهاد های سیاسی فراگیر و دمکراتیک
، خانه‌ی عدالت، اتحادیه‌ی زنان، عمارت خلق، دمکراسی شورائی، انجمن های صلح،
بنای بینوایان تهی دست و شوراهای محلات ضرورتی تاریخی است که میتوانند در
قالب اهرمهای حکومت داری نقش بازی نمایند . ارگان دمکراتیک " بنکه ها " در
مریوان و سنندج تجارب گرانبه‌ای خلق کرد بودند ، که داشت گام بگام نقش دوران
گذار دمکراتیک را بازی میکردند . ارگان بنکه‌ها با ایدئولوژی های پوسیده که خشن
ترین دیکتاتورها نیز می باشند و باعث جماد فکری میشوند در نبرد بود .

یاد همه‌ی عاشقان صلح و عدالتخواهی، که درسندج در راه آزادی جان باختند
گرامی باد !
پایان

(ر - م س)

بیست و دوم مهرماه ۱۴۰۱